# فصل 8؛ ستر و ساتر

## محور دوم؛ پوشش در حال نماز

[و أمّا الثاني: أي الستر حال الصلاة] فله كيفيّة خاصّة، و يشترط فيه ساتر خاصّ‌ و يجب مطلقاً، سواء كان هناك ناظر محترم أو غيره أم لا، و يتفاوت بالنسبة إلى الرجل و المرأة، أمّا الرجل فيجب عليه ستر العورتين، أي القبل من القضيب و البيضتين، و حلقة الدبر لا غير، و إن كان الأحوط ستر العجان، أي ما بين حلقة الدبر إلى أصل القضيب، و أحوط من ذلك ستر ما بين السرّة و الركبة، و الواجب ستر لون البشرة، و الأحوط ستر الشبح (1) الذي يرى من خلف الثوب من غير تميّز للونه، و أمّا الحجم أي الشكل فلا يجب ستره. و أمّا المرأة فيجب عليها ستر جميع بدنها حتّى الرأس و الشعر إلّا الوجه المقدار الذي يغسل (2) في الوضوء، و إلّا اليدين إلى الزندين، و القدمين إلى الساقين ظاهرهما و باطنهما (3) و يجب ستر شيء من أطراف هذه المستثنيات من باب المقدَّمة.

در اين قسمت(ستر در نماز) مرحوم سيد جهاتی را متعرض شده است که به عنوان مطالب از آن بحث می شود :

### مطلب اول؛ اشتراط ستر در نماز

مرحوم سید فرموده است. ستر یکی از شرایط صحت نماز است ولو ناظر محترمی نباشد.

آقای حکیم، اجماع را دلیل این شرط دانسته اند. سپس فرموده اند برای این مدعا به روایات نیز تمسک شده است. اما استدلال به این روایات تمام نیست و دلیل اصلی همان اجماع است:

إجماعاً كما عن المنتهى و التذكرة و الذكرى و ظاهر المعتبر و التحرير و غيرها. و في الجواهر: «الإجماع بقسميه منا و من أكثر العامة على اشتراط الصحة معه». و قد يستدل له... (حکیم)[[1]](#footnote-1)

اما آقای خویی فرموده اند اجماعی که به آن استناد شده است نمی توان دلیل درمساله باشد زیرا با وجود ادله ی دیگر این اجماع محتمل المدرکیه می شود:

و أمّا أصل وجوب الستر حال الصلاة و اشتراطها به و إن لم يكن هناك ناظر محترم فقد يستدلّ‌ له بالإجماع، و هو كما ترى، للجزم عادة بكون المستند بعض الوجوه الآتية، فلا يحتمل أن يكون تعبدياً كاشفاً عن رأي المعصوم (عليه السلام) (خوئی)[[2]](#footnote-2)

بررسی اجماع مذکور در کلام آقای حکیم:

اگر اجماع مذکور در حد همان اجماعات مصطلح باشد اشکال آقای خویی وارد است. اما اجماع در اینجا از موارد اجماع اصطلاحی نیست بلکه منظور مسلم بودن این مساله بین اصحاب است. در جایی که تسالم بین اصحاب باشد و متشرعه بماهم متشرعه امری بین آنها واضح باشد در این موارد وضوح الحکم عند المتشرعه می تواند دلیل و مدرک قرار بگیرد ولو در کنار این تسالم ادله ی لفظی نیز وجود داشته باشد. زیرا این نوع از تسالم قطعا از معصومین علیهم السلام نشات گرفته است. حتی اگر در این موارد روایت معارض نیز وجود داشته باشد آن روایت کنار گذاشته می شود. خود آقای خویی نیز در مواردی بخاطر تسالم اصحاب روایت معارض را کنار گذاشته اند.

مثلا در حج تمتع گفته شده است بر نائی حج تمتع واجب است و بر حاضر حج قران يا افراد . اینکه حد نائی چقدر است مورد اختلاف است. در برخی از روایات صحیحه (مثل صحیحه حریز) بیان شده است که حدِ بُعد، 18 میل است (ثمانی عشر میلا) يعنی تقريبا شش فرسخ از هر طرف ، مرحوم آقای خویی در کتاب الحج فرموده اند تسالم اصحاب بر خلاف این است لذا نمی توان به این روایت عمل کرد.

شرطیت ستر برای نماز نیز از همین قبیل است و از موارد تسالم بین اصحاب است. خود آقای خویی نیز در همین بحث فرموده اند از کیفیت سوالی که در بعضی از روایات بیان شده است مشخص می شود که اصل شرطیت ستر برای نماز مرتکز برای همه بوده است:

و يعضده ما يظهر من غير واحد من الروايات من ارتكاز اعتبار الستر في الصلاة في أذهان الرواة بحيث إنّ‌ ذلك من المسلمات لديهم، و قد أقرّهم الإمام (عليه السلام) على ذلك، (خوئی)[[3]](#footnote-3)

 بررسی روایات وارد در مساله:

جهت اثبات مدعا به طوایفی از روایات استدلال شده است:

**طايفه اول:**

صحیحه محمد بن مسلم:

مُحَمَّدُ بْنُ‌ يَعْقُوبَ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ يَحْيَى عَنْ‌ أَحْمَدَ بْنِ‌ مُحَمَّدٍ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ الْحَكَمِ‌ عَنِ‌ اَلْعَلاَءِ‌ بْنِ‌ رَزِينٍ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ مُسْلِمٍ‌ فِي حَدِيثٍ‌ قَالَ‌: قُلْتُ‌ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ الرَّجُلُ‌ يُصَلِّي فِي قَمِيصٍ‌ وَاحِدٍ فَقَالَ‌ إِذَا كَانَ‌ كَثِيفاً فَلاَ بَأْسَ‌ بِهِ‌ وَ الْمَرْأَةُ‌ تُصَلِّي فِي الدِّرْعِ‌ وَ الْمِقْنَعَةِ‌ إِذَا كَانَ‌ الدِّرْعُ‌ كَثِيفاً يَعْنِي إِذَا كَانَ‌ سَتِيراً.

در این روایت امام علیه السلام فرموده اند اگر لباس پوشاننده باشد مانعی ندارد. یعنی تعدد لباس شرط نیست بلکه آنچه مهم است ساتر بودن آن است.

امام علیه السلام در قالب جمله شرطیه فرموده اند اگر ستیر باشد کفایت می کند و مفهومش این است که اگر ستیر نباشد اشکال دارد.

اشکال؛ آقای حکیم:

لكن الأول ليس وارداً في مقام تشريع شرطية التستر، بل في مقام الاجتزاء بالواحد في مقابل اعتبار التعدد (حکیم)[[4]](#footnote-4)

این روایت در مقام تشریع شرطیت تستر نیست تا از آن شرطیت تستر به نحو مطلق فهمیده باشد ولو ناظر محترمی نباشد. مورد نظر در این روایت این است که آیا با لباس واحد شخص می تواند لباس بخواند یا باید متعدد باشد. در واقع این روایت نیز مانند روایت ابی مریم است که در مقام نفی لزوم تعدد لباس است:

وَ بِإِسْنَادِهِ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ مَحْبُوبٍ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ الْحُسَيْنِ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ إِسْمَاعِيلَ‌ عَنْ‌ صَالِحِ‌ بْنِ‌ عُقْبَةَ‌ عَنْ‌ أَبِي مَرْيَمَ‌ الْأَنْصَارِيِّ‌ فِي حَدِيثٍ‌ قَالَ‌: صَلَّى بِنَا أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ فِي قَمِيصٍ‌ بِلاَ إِزَارٍ وَ لاَ رِدَاءٍ‌ فَقَالَ‌ إِنَّ‌ قَمِيصِي كَثِيفٌ‌ فَهُوَ يُجْزِئُ‌ أَنْ‌ لاَ يَكُونَ‌ عَلَيَّ‌ إِزَارٌ وَ لاَ رِدَاءٌ‌.

در نتیجه نمی توان به این روایت تمسک کرد برای اثبات شرطیت ستر در نماز در جایی که ناظر محترمی نیست.

استاد:

هر چند نکته سوال احتمال معتبر بودن تعدد لباس بوده است اما امام علیه السلام در مقام جواب اجزای صلاة در لباس واحد را معلق کردند به اینکه ساتر باشد. همین تعلیق نشان می دهد که ساتر بودن لباس در نماز شرطيت دارد و ستر بدن شرط است .

**طايفه دوم؛ روایات وارد در باب لباس عاری:**

در این باب آمده است اگر شخص لباس ندارد باید نشسته نماز بخواند به نحو ایماء و نباید رکوع و سجود اختیاری را انجام دهد. برخی از روایات نیز فرموده است اگر ناظری دربین نباشد می تواند ایتساده نماز بخواند ولی باز باید ایماءا نماز بخواند.

در هر صورت در همه این روایات بیان شده است که شخص اگر ساتر ندارد نمی تواند رکوع و سجود اختیاری انجام دهد و این نشان می دهد که ستر شرطیت دارد برای نماز و الا نبود ساتر مجوز نمی شود برای ترک رکوع اختیاری و انجام رکوع ایمائی.

این روایات در باب 50 از ابواب لباس مصلی آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ‌ الْحَسَنِ‌ بِإِسْنَادِهِ‌ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ مَحْبُوبٍ‌ عَنِ‌ اَلْعَمْرَكِيِّ‌ الْبُوفَكِيِّ‌ عَنْ‌ عَلِيِّ‌ بْنِ‌ جَعْفَرٍ عَنْ‌ أَخِيهِ‌ مُوسَى عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ قَالَ‌: سَأَلْتُهُ‌ عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ قُطِعَ‌ عَلَيْهِ‌ أَوْ غَرِقَ‌ مَتَاعُهُ‌ فَبَقِيَ‌ عُرْيَاناً وَ حَضَرَتِ‌ الصَّلاَةُ‌ كَيْفَ‌ يُصَلِّي قَالَ‌ إِنْ‌ أَصَابَ‌ حَشِيشاً يَسْتُرُ بِهِ‌ عَوْرَتَهُ‌ أَتَمَّ‌ صَلاَتَهُ‌ بِالرُّكُوعِ‌ وَ السُّجُودِ وَ إِنْ‌ لَمْ‌ يُصِبْ‌ شَيْئاً يَسْتُرُ بِهِ‌ عَوْرَتَهُ‌ أَوْمَأَ وَ هُوَ قَائِمٌ‌.

البته ظاهر برخی روایات این است که در جایی که شخص لباس ندارد ، عریانا نماز بخواند و این ظهور دارد در نماز اختیاری یعنی رکوع و سجود را لازم نیست ایمائا انجام دهد. این معنا در روایات زیر آمده است:

روایت عبدالله بن مسکان:

أَحْمَدُ بْنُ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ الْبَرْقِيُّ‌ فِي اَلْمَحَاسِنِ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَنِ‌ اِبْنِ‌ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ أَبِي حَمْزَةَ‌ عَنْ‌ عَبْدِ اللَّهِ‌ بْنِ‌ مُسْكَانَ‌ عَنْ‌ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌: فِي رَجُلٍ‌ عُرْيَانٍ‌ لَيْسَ‌ مَعَهُ‌ ثَوْبٌ‌ قَالَ‌ إِذَا كَانَ‌ حَيْثُ‌ لاَ يَرَاهُ‌ أَحَدٌ فَلْيُصَلِّ‌ قَائِماً.

مرسله عبدالله بن مسکان:

وَ عَنْهُ‌ عَنْ‌ يَعْقُوبَ‌ بْنِ‌ يَزِيدَ عَنِ‌ اِبْنِ‌ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ‌ اِبْنِ‌ مُسْكَانَ‌ عَنْ‌ بَعْضِ‌ أَصْحَابِهِ‌ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌: فِي الرَّجُلِ‌ يَخْرُجُ‌ عُرْيَاناً فَتُدْرِكُهُ‌ الصَّلاَةُ‌ قَالَ‌ يُصَلِّي عُرْيَاناً قَائِماً إِنْ‌ لَمْ‌ يَرَهُ‌ أَحَدٌ فَإِنْ‌ رَآهُ‌ أَحَدٌ صَلَّى جَالِساً.

این روایت مرسل است. روایت قبل نیز در سند افتادگی دارد زیرا ابن مسکان نمی تواند مستقیما از امام باقر علیه السلام نقل روایت کند. ایشان حتی از امام صادق علیه السلام نیز نقل با واسطه می کند. در نتیجه دو روایت ابن مسکان مشکل سندی دارند و قابل استناد نیستند.

آقای حکیم در اشکال به استدلال به این دسته از روایات فرموده است:

و نصوص العاري مضطربة و سيأتي القول من بعض بجواز الصلاة تامة مع أمن المطلع. (حکیم)[[5]](#footnote-5)

ایشان فرموده اند روایات بابِ عاری، مضطرب است. در یکی فرموده است وقتی ناظر محترم نباشد می توان رکوع و سجود اختیاری بجا آورد و برخی نیز فرموده اند باید ایمائی باشد.

استاد:

در ورایات معتبره این باب بیان شده است شخص باید رکوع و سجود ایمائی انجام دهد چه ناظر محترم باشد چه نباشد. اما روایات مقابل این مفاد معتبر نیستند و بواسطه آنها نمی توان از این روایات معتبر رفع ید کرد.

1. حکیم محسن. *مستمسک العروة الوثقی*. ج 5، دار التفسير، 1374، ص 250. [↑](#footnote-ref-1)
2. خوئی سید ابوالقاسم. *موسوعة الإمام الخوئي*. ج 12، مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي، 1418، ص 89. [↑](#footnote-ref-2)
3. خوئی سید ابوالقاسم. *موسوعة الإمام الخوئي*. ج 12، مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي، 1418، ص 91. [↑](#footnote-ref-3)
4. حکیم محسن. *مستمسک العروة الوثقی*. ج 5، دار التفسير، 1374، ص 251. [↑](#footnote-ref-4)
5. حکیم محسن. *مستمسک العروة الوثقی*. ج 5، دار التفسير، 1374، ص 251. [↑](#footnote-ref-5)